



افراطی گری و سلفی گری نتیجه بی توجهی به اخلاق دینی است

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سومین نشست دینی مرکز گفتگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و اندیشمندان کره جنوبی گفت اگر به اخلاق دینی توجه می شد ما با جریانی به اسم سلفی گری در اسلام که البته در دیگر ادیان ها نیز چنین افراط گرایانی وجود دارند روبرو نمی شدیم.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سومین نشست دینی مرکز گفتگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و اندیشمندان کره جنوبی گفت اگر به اخلاق دینی توجه می شد ما با جریانی به اسم سلفی گری در اسلام که البته در دیگر ادیان ها نیز چنین افراط گرایانی وجود دارند روبرو نمی شدیم. به گزارش خبرنگار مهر، سومین نشست دینی مرکز گفتگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و اندیشمندان کره جنوبی (بودائی و مسیحی) با عنوان «نقش دین در ارتقاء ارزش های اخلاقی و انسانی» چهارشنبه ششم شهریور ماه در این سازمان برگزار شد.

حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران طی سخنانی در این نشست به نقش دین در رفع رذائل اخلاقی و انسانی پرداخت و گفت: دین می تواند در سه عرصه اخلاق تاثیرگذار باشد، یکی در عرصه مبنای اخلاق است؛ ما معتقدیم اخلاق از امور فکری است و هر انسانی به فضائل اخلاقی گرایش دارد و هر انسانی می خواهد از رذائل اخلاقی دور باشد و اخلاق فطری است و از سنخ ارزش ها است و ارزش ها باید مبتنی بر حقایق باشد اگر اخلاق ارزش هایی باشد که با حقایق ارتباط پیدا نکند در سلابیق می ماند.

وی افزود: اگر قرار است اخلاق، اخلاق بماند و به سلابیق تحلیل نیاید باید به حقایقی مرتبط شود مثل حقایقی چون جاودانگی انسان یا ارتباطی که انسان با حقیقت نامتناهی و خداوند می تواند داشته باشد. دین یکسری مبانی و یکسری حقایق را در اختیار اخلاق قرار می دهد تا اخلاق با یکسری حقایق پیوند برقرار کند تا اخلاق، اخلاق بماند.

این مدرس حوزه و دانشگاه افزود: عرصه دوم نقش دین در اخلاق، عرصه محتوا است، دین اصل کرامت انسان و اصل عدالت و... را در اختیار بشر قرار داده است البته عقل از اینها سخن می گوید ولی دین الهی بر این اصول تاکید دارد و این تاکید کمکی است که دین به محتوای اخلاقی می کند.

خسروپناه افزود: ضمانت اجرایی اخلاقی از دین است. اگر خدا کنار برود، انسان و اخلاق انسانی هم کنار می رود، پس اخلاق، ضمانت اجراییش را از دست می دهد، اگر نیچه از مرگ خدا سخن گفت امروز از مرگ انسان سخن گفته می شود چون هر چه خدا از زندگی انسان به حاشیه برود ارزش های اخلاقی ضمانت خود را از دست می دهند و با یک حیات سکولار، اخلاق ضمانت اجرایی نمی تواند پیدا کند.

وی به رذائل و آسیب هایی که انسان معاصر با آن روبرو است، اشاره کرد و گفت: اخلاق دینی می تواند از این رذائل و آسیب ها جلوگیری کند انسان معاصر بشدت گرفتار احساس تنهایی است، منظور از تنهایی، تنهایی فیزیکی نیست؛ چراکه گاه انسان ها دور هم جمع می شوند، اما باز تنها هستند، منظورم از تنهایی، تنهایی هستی شناختی و وجودی است. ما انسان ها احساس می کنیم حتی کسانی که اطراف ما هستند و علی ظاهر به ما خدمت می کنند، بیشتر دغدغه خود را دارند که این ناشی از تفکر اصالت سود و نفع است که باعث شده اگر انسان ها خدمتی می کنند، منافع خود را در اولویت قرار دهند.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: ما معتقدیم که اخلاقی که با الهیات ارتباط داشته باشد، می تواند این آسیب را از انسان بردارد؛ چراکه خداوند در عطای نعمت های خود هیچ نفعی را نمی برد و برای منافع خود به ما نعمت نمی دهد بلکه این نعمت ها را برای تعالی و رشد انسان عطا می کند، لذا اخلاق دینی می تواند انسان تنهایی را پاسخ دهد و آن را رفع کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه بی معنایی انسان را یکی دیگر از آسیب هایی برشمرد که دین می تواند در رفع آن موثر باشد و گفت: نحله هایی در دنیا به نام روان درمانی مطرح هستند؛ چراکه زندگی معاصر گرفتار بی معنایی شده است. انسان معاصر با همه امکانات دنیای مدرن هنوز احساس بی معنایی می کند و نمی داند از کجا آمده و در اینجا چه می کند و به کجا می رود و این مساله باعث افزایش آمار بیماری های روانی و خودکشی شده است. این بخاطر آن است که اخلاق دینی در دنیای معاصر کاهش پیدا کرده است. البته اخلاق حرفه ای، اخلاق سیاسی، اخلاق اقتصادی و... در مراکز علمی مطرح شده، اما هیچکدام نتوانسته این مشکل بشر را رفع کند، اگر بخواهیم زندگی انسان معاصر معنادار شود، باید اخلاق دینی را تقویت کنیم.

خسروپناه به سومین آسیبی که دنیای معاصر گرفتار آن است، اشاره کرد و افزود: سومین آسیب تقدم منافع شخصی بر منافع جمعی است و حتی تقدم منافع حزبی بر منافع انسانی در دنیای امروز بسیار مشهود است که این ناشی از تفکر اصالت فرد و اصالت سود است و بنایی است که دنیای لیبرال بر کشورهای مختلف حاکم کرده است. جالب آنکه همه مکاتب دنیای معاصر از اومانیزم یا انسان گرایی سخن می گویند، اما وقتی دقت می کنیم انسان در این مکاتب معنای خاصی دارد یعنی منظور فمینیست ها از انسان، زن است، در مارکسیست، کارگران صنعتی و در لیبرالیست ها مقصودشان از انسان فرد و عمدتاً فرد سرمایه دار است چون منافع فردی مقدم بر منافع جمعی شده است و آنچه جلوی این آسیب ها را می گیرد، اخلاق دینی است.

این مدرس حوزه و دانشگاه به نقش اخلاق دینی در همبستگی اجتماعی اشاره کرد و گفت: امروز با نزاع های اجتماعی، دینی، فرقه ای، نژادی و... روبرو هستیم و این مشکل جدی انسان معاصر است. اگر به 50 سال پیش از تشکیل سازمان ملل توجه کنیم می بینیم جنگ های مختلف برپا شد و تعداد زیادی از انسان ها را نابود کرد و الان که 50 تا 60 سال از تشکیل این سازمان می گذرد، کشتار انسان ها چند برابر شده است و این نشان می دهد که انسان به این همبستگی اجتماعی دست نیافته است، چه چیزی می تواند مقابل این آسیب بایستد آیا جز اخلاق دینی؟ در اسلام جریانی داریم به اسم سلفی گری که در بودیسم و در دیگر ادیان ها نیز چنین افراط گرایی وجود دارند اینها اخلاق دینی را به حاشیه رانده اند اگر به اخلاق دینی توجه می شد ما با این مسائل روبرو نمی شدیم.

خسروپناه در ادامه به نقش اخلاق دینی در تمدن و فرهنگ انسانی اشاره کرد و گفت: امروزه تمدن مدرن وجود دارد، اما مبنای این تمدن سوژکتیو است، سوژکتیو مبنایی است که اخلاق دینی را کنار می نهد، با اینکه علم، صنعت و تکنولوژی در این تمدن مدرن رشد پیدا می کند، اما این رشد محیط زیست، امنیت زندگی خصوصی و... را نابود کرده است. تمدن مدرن آسایش انسان را فراهم کرده، اما آرامش انسان را محقق نکرده است این تمدن مدرن اگر می خواهد به حیات خود ادامه دهد باید این آسیب ها را بزدايد و راه زدودن این آسیب ها، اخلاق دینی است.